

سفر به هند بعد از پایان مهلت شش ماهه به پاکستان

علی قادری

سرمقاله اراده جدی برای مبارزه با فساد وجود ندارد

حفیظ الله زکی

فساد اداری در افغانستان که اکنون به یک غده لاعلاج سرطانی بدل شده است، از سال ۲۰۰۲ به این طرف، همواره رو به پیشرفت بوده و آمارهای فساد در ادارات روند صعودی را طی نموده است. حکومت وحدت ملی که یکی از شعارهای جدی اش مبارزه با فساد اداری بود، پس از گذشت هفت ماه از عمر حکومت تا هنوز نه تنها گام های مؤثر و ارزشمندی در این راستا برنداشته، که تأخیردر معرفی کابینه، اختلاف در درون حکومت و اداره کشور توسط سرپرستان معضل فساد اداری در افغانستان را پیچیده تر کرده است.

ریشه های عمیق و تنومند فساد اداری اکنون این باور را تقویت کرده است که حکومت فعلی مانند حکومت گذشته قادر به مبارزه کارساز با فساد اداری نیست و دولت هیچ توفیقی در این راستا نخواهد داشت.

گفته می شود که نبود اراده سیاسی جدی برای مبارزه با فساد و نیز ناهماهنگی میان ارگان های مختلف مبارزه با فساد و ضعف و آردگی به فساد دستگاه های عدلی قضایی، روند مبارزه با فساد اداری را کند تر ساخته است.

دقت در ریشه های فساد اداری نشان می دهد که مبارزه با این پدیده در تمامی مراحل شناسایی، تحقیق و معاکمه با مشکل و دشواری روبرو بوده و این دشواری ها مبارزه با فساد را ناکام و ناکار ساخته است.

جنگ، ناامنی، فقر و بیکاری، وجود ادارات موازی، تداخل کاری، ضعف های اخلاقی و فرهنگی در جامعه، غلبه فرهنگ غارت و چپاول، عدم اطمینان نسبت به سرنوشت آینده کشور، سلطه فرهنگ معافیت از مجازات و فرسوده و ناکار آمد بودن ساختار قضایی و عدلی کشور را می توان از جمله عوامل زمینه ساز و تشدید کننده فساد در افغانستان دانست.

فرهنگ عمومی و اخلاقی جامعه در اثر جنگ و ناپساماتی های داخلی متأسفانه به کلی دگرگون شده است و فرهنگ امروزی نمی تواند در پیشگیری از جرایم، ناپهنجاری ها و قانون گریزی ها مؤثر واقع شود.

افراد در سایه فرهنگ امروزی جامعه نسبت به اموال عمومی به مثابه ملکیت شخصی نگاه کرده و در حفظ و نگهداری آنها خودشان را مسؤول نمی دانند. علاوه بر آن نوع نگرش به اهداف کاری در اداره و چگونگی باور و نگرش در مورد قدرت و ارزشهای اداری، انگیزه ای تلاش برای خدمت به مردم و پیشرفت و ترقی کشور را از بین برده و فرهنگ رفتاری اداری را به سمت منفی سوق داده است. امروزه بجای نگاه مسؤالانه به منصب، نگاه بالا مرتبه گرایانه به آن بیشتر مورد توجه قرار گرفته و به قدرت و چوکی به عنوان یک امتیاز و وجه برتری بر دیگران نگریسته می شود. به این خاطر استفاده مالکانه از قدرت به نفع شخص و یا گروه خاص آزادانه صورت می گیرد.

بی ثباتی سیاسی و عدم مصونیت شغلی کارمندان را می توان از عامل دیگری افزایش فساد و کندی مبارزه با آن به شمار آورد. تقص و بی پروایی به قوانین باعث گردیده که کارمندان احساس امنیت شغلی نکنند و مناسب ببینند که برای تضمین آینده اقتصادی خود از موقعیت اداری و سیاسی شان سود برده و به انواع فساد دست بزنند.

از طرف دیگر ضعف حاکمیت دولت و توان بالای مافیای قدرت و نفوذ در ارگان های دولتی عناصر کنترل و نظارت را به حاشیه برده و آن را از کارایی انداخته است. امروزه کمیسیون های مختلف نظارتی در افغانستان وجود دارد که نه تنها در کاهش فساد مؤثر نیفتاده که به ترویج آن نیز کمک کرده است. با فقدان کنترل و نظارت دولتی، باند های تبه کار فرصت می یابند که به اعمال خلاف قانون دست بزنند و در ترویج و تشدید فساد اداری سهم قابل ملاحظه ای ایفا می کنند. بنابراین تا زمانی که اقتدار دولتی در ادارات پذیرفته نشود و قانون حاکمیت پیدا نکند و دستگاههای عدلی و قضایی کارکرد قابل قبولی از خود نشان ندهند و با باندهای مافیایی و فساد با قاطعیت برخورد نشوند، مبارزه با فساد به یک آرزوی دست نیافتنی برای مردم افغانستان باقی خواهد ماند.

در آستانه سفر اشرف غنی، رئیس جمهور افغانستان به دهلی نو، هند سه هلی کوپتر چند منظوره چیتال را همراه با تجهیزات و قطعات اضافی آن به افغانستان تحویل داد. راتو اندر بیجیت سینگ، وزیر دفاع هند گفته است: این هلی کوپترها به روز ۹ اپریل اعزام شدند. پرواز آن ها آزمایش شده و توسط خلبان های افغانستان در ۱۵ اپریل پذیرفته شده است. تحویل این تجهیزات نظامی بر اساس توافق نامه دو جانبه صورت گرفته است. در حالی این هلی کوپتر ها به افغانستان تحویل داده شده است که رئیس جمهور غنی شش ماه پیش به پاکستان فرصت داده بود تا جهت گیری و سیاست های خود را در قبال افغانستان بازنگری نماید و در پروسه صلح افغانستان را همکاری نماید. شش ماه گذشته است ولی تحول جدی در مناسبات دو کشور اتفاق نیافتاده است. اگر چه مقامات پاکستانی قبل از این گفته بود که افغانستان و پاکستان در طول تاریخ این قدر به همدیگر نزدیک نبوده است ولی عملا در پروسه صلح هیچ کاری ملموس و عینی از سوی پاکستان صورت نگرفت. مقامات پاکستانی گفته است که شبکه های از گروه طالبان حاضر است به صورت مستقیم با حکومت افغانستان گفتگو نماید ولی مقامات پاکستان منتظر تأیید این سخن و راضی نمودن ملا عمر رهبر گروه طالبان بود. با همه این ها، به نظر می رسد که اشرف غنی در صدد رو کردن کارت جدید بازی خود است. در ارتباط با روابط با پاکستان و هند چند نکته مهم و قابل تأمل وجود دارد. در ذیل سعی می کنم به این نکات بپردازم.

اول: فراموش نکنیم که ما قادر به تغییر همسایه های خود نیستیم. وضعیت داخلی کشور های همسایه بر وضعیت افغانستان تأثیر می گذارد. به صورت مشخص ناامنی در پاکستان و نوع نگاه مقامات پاکستانی تأثیری جدی بر اوضاع و احوال افغانستان دارد. این مسئله در مورد پاکستان نیز صادق است. بدین معنی که ناامنی در افغانستان تأثیری بر وضعیت پاکستان می گذارد. اقتصاد، سیاست، اجتماع، فرهنگ و سیاست خارجی و روابط خارجی همدیگر را در بر می گیرد. پاکستانی از نزدیک شدن هند به پاکستان استقبال می کند. همیشگی نگران بوده است. به خاطر وابستگی شدید کشور ها در جهان کنونی باید بپذیریم که بدون روابط و مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امکان بر آوردن نیاز های داخلی و خارجی ممکن نیست. همین وابستگی در جهان کنونی کشور ها را وادار به برقراری مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می کند. افغانستان به عنوان یک کشور مستقل باید به پاکستان این اطمینان را بدهد که روابط افغانستان و هند هیچ تهدیدی علیه پاکستان نیست و پاکستان نیز باید این حق را به افغانستان بدهد که با هر کشور که منافع شان تقاضا کرد، مناسبات و روابط خارجی داشته باشد. ارتباط برقرار نمودن و داد و ستد داشتن حق بنیادی هر کشور است. اما نباید این روابط باید خیر خواهانه و تأمین منافع باشد. درک این مسئله تا هنوز برای مقامات پاکستانی سخت و دشوار



بوده است. برای همین مقامات پاکستان از نزدیکی افغانستان و هند ابراز نگرانی نموده است و در موارد مقامات افغانستان با درک این مسئله از روابط خود با هند به عنوان ابزار فشار بر پاکستان استفاده نموده است. سوم: پاکستان باید بیش از افغانستان در صدد بهبود مناسبات میان کابل و اسلام آباد باشد. زیرا، پاکستان یکی از کشورهای آسیای میانه است که چین به عنوان یک ابر قدرت اقتصادی در منطقه مطرح است. این احتمال وجود دارد که هند در آینده نه تنها در قدرت اقتصادی جهانی شود. بنابراین، مناسبات و روابط با هند برای افغانستان اهمیت دارد. اما این روابط باید روشن و شفاف باشد. این روابط نباید تأثیری بر نگرش و برداشت های منفی مقامات افغانستانی را در قبال پاکستان در پی داشته باشد. مقامات پاکستانی نیز باید بپذیرد که افغانستان به عنوان یک کشور مستقل حق برقراری روابط آزاد با کشورهای مختلف از جمله هند را دارد. رابطه افغانستان و هند نباید تهدید و توطئه ای علیه پاکستان درک گردد. گرفتن سه هلی کوپتر از هند و سفر رئیس جمهور غنی به هند بیانگر آن است که

کرد تا بازنگری به مناسبات و روابط خود با افغانستان داشته باشد. بنابراین، بهتر است که مقامات پاکستانی از همین اکنون در صدد بهبود روابط با افغانستان باشد. افغانستان به عنوان یک کشور مستقل باید مناسبات آزاد با کشورهای مختلف داشته باشد. هند هم اکنون به عنوان یک ابر قدرت اقتصادی در منطقه مطرح است. این احتمال وجود دارد که هند در آینده نه تنها در قدرت اقتصادی جهانی شود. بنابراین، مناسبات و روابط با هند برای افغانستان اهمیت دارد. اما این روابط باید روشن و شفاف باشد. این روابط نباید تأثیری بر نگرش و برداشت های منفی مقامات افغانستانی را در قبال پاکستان در پی داشته باشد. مقامات پاکستانی نیز باید بپذیرد که افغانستان به عنوان یک کشور مستقل حق برقراری روابط آزاد با کشورهای مختلف از جمله هند را دارد. رابطه افغانستان و هند نباید تهدید و توطئه ای علیه پاکستان درک گردد. گرفتن سه هلی کوپتر از هند و سفر رئیس جمهور غنی به هند بیانگر آن است که

نگاه به نا امنی های شمال

عبدالرحمن فیضی



آمریکا به اهداف سیاسی و اقتصادی اش برسد. نگاه به نا امنی های شمال و قدرت گرفتن تروریست ها در این سمت و سو از این منظر، دولت های آسیای مرکزی، روسیه و چین را نگران می کند. در این جاست که روسیه به پیماة احساس تهدید می نماید که از کمک های نظامی به ارتش افغانستان سخنی می زند. سخنانی که در طول سال های متعددی شنیده نشده بود. ۲. خطوط انرژی

اگر چنین شود میزان رشایت مردم از حکومت کاهش یافته و این پرسش از جنس مشروعیت سیاسی در اذهان همه خلق می گردد، در صورت که دولت و حکومت کنونی قادر به تأمین امنیت و دفاع از مردم نیست، راه حل چیست؟ و باید چکار کرد؟ البته تلاش طالبان بر این است که خودش را به عنوان جواب سوال مطرح شده در اذهان مردم جرای دهد. یعنی در صورت که دولت کنونی قادر به تأمین امنیت نبوده و داستان امنیت پاپان ناپذیر می نماید، باید به حکومت و اسارت طالبانی تن داد و آن ها را پذیرفت. بنابراین ممکن است چنین استراتژی را گروه طالبان در پیش گرفته باشد. در طول چهارده سال که گذشت، مناطق جنوب تا من این بوده و حضور طالبان در این ولایت ها گسترده بود، اما مناطق شمال و مرکز به صورت نسبی امن بوده و هیچ گونه چالش در برابر حکومت دیده نمی شد. این امر طالبان را مایوس می کرد.

۲. نفوذ به کشورهای آسیای مرکزی یک نگاه ابزاری و توطئه محور در مورد طالبان و همه گزوه ها و حلقه های تروریستی وجود داشته است. این دیدگاه بر این استوار بوده که ایالات متحده آمریکا پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی و ختم جنگ سرد، با فضای نبود دشمن استراتژیک مواجه بوده است. این کشور بدون دشمن کلان نمی تواند به اهداف استراتژیک اش دست یابیده و فضا را برای رقیب های منطقه ای و جهانی اش تنگ نماید. از این رو دشمن سازی کرد. بنیادگرایی دینی و حرکت های افراطی دینی را در خاورمیانه به عنوان دشمن کلان مطرح کرد. مقاله برخورد تمدن های ساموئل هانتینگتن را نیز در این مورد ارزیابی کرده و گفته می شود که به اشاره مراکز مطالعاتی و تصمیم گیری و اشنگتن نوشته شده است. بنابراین بحث، تروریسم یک ابزار است. توطئه و پروژه ساختگی است که از سوی آمریکا به منظور دخالت در امور سیاسی و اقتصادی مناطق حیاتی و جهانی و نیز اعمال فشار بر رقیب های اش راه اندازی شده است.

به صورت نسبی همه ولایت ها در امان بودند. در برخی ولایت ها یکی دو حمله انتحاری رخ داد. اما با پایان فصل زمستان و گرم شدن هوا، حمله ها و توطئه های دشمن نیز افزایش یافته است. نه تنها در مناطق جنوبی و جنوب غربی بلکه در ولایت های قبلا امن نیز حمله های صورت گرفته و نشانه های از حضور و فعالیت دشمن دیده می شود. چندی قبل جنایت هولناک و وحشت ناک در ولسوالی جرم ولایت بدخشان صورت گرفت. سربازان ارتش اسیر گرفته شدند، کشته و سربریده شدند و برخی هم فرار کرده و مواضع شان را ترک کردند.

در دادستانی ولایت بلخ حمله صورت گرفته و تروریست های مهاجم، شهر آرام مزار شریف را وحشت زده و مملو از ترس نمود. حتی نشانه های از حمله طالبان بر پوسته های امنیتی در ولایت بامیان نیز دیده می شود. و اکنون ولایت های مانند کندز، فاریاب و... در معرض تهدیدهای مهم امنیتی قرار دارد. روز گذشته ولسوالی های ولایت کندز، زیر حمله های هجومی مخالفین قرار داشت و نگرانی های جدی در این مورد وجود داشت. خبرهای متفاوت هم دست به دست می شد. حتی برخی ها از سقوط یکی از ولسوالی های این ولایت سخن می گفتند. نبود فرماندهی مناسب و کمبود مهمات مورد نیاز نیروهای جنگی، از دیگر موارد بود که به عنوان نقطه نا امید کننده مطرح می شد. به هر حال، امری مسلم این است که تروریست ها در سال جاری بر مناطق نسبتا امن و به ویژه شمال تمرکز کرده اند. نمی توان به صورت مشخص علل تمرکز تروریست ها بر شمال را مطرح کرد، اما به صورت کلی شاید بتوان گفت که ممکن است اهداف کلان سیاسی و اقتصادی در میان باشد. از این روی، به نظر این نگارش، سه محبت به عنوان علل تمرکز و توجه ویژه تروریست ها و طالبان مهم می نماید: ۱. طالبان و ایجاد فضای رعب و وحشت از یک منظر می شود این مسئله را این گونه تحلیل کرد که طالبان به صورت عموم به دنبال نا امن سازی همه مناطق و دامن گسترانیدن حوزه نا امنی است. از این رهگذر می خواهد فضای عمومی را ترس و رعب و وحشت فرا گیرد.

پس از سقوط رژیم طالبان، بخش های از کشور به صورت نسبی امن بوده و بخش های هم نا امن بوده است. مناطق جنوب، بیشتر مرکز درگیری های خونین میان نیروهای نظامی خارجی و داخلی و گروه طالبان بوده و برخی مناطق دیگر نیز امنیت چندان نداشته است. در این محصمه، شمال کشور به صورت نسبی امن بوده است. طالبان به ندرت قادر به نفس کشیدن و جنگ های کوچک پارتیزانی در این منطقه شده، که آن هم به شدت سرکوب گردیده و به ندرت برخی حمله های انتحاری و انفجاری رخ داده است. فصل زمستان به صورت عموم فصل آرامش بود.

کارتون روز



روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانسان بخش دری و پشوی روزنامه اوت لوک افغانسان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی

کارکاتوریست: خالق علی زاده

دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان The Daily Afghanistan Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Voice